

# واژه‌شناسی

♦ دکتر احمد ابو محبوب ♦



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تهران، خیابان مجاهدین اسلام،

شماره ۱۸۲، تلفن: ۳۳۱۳۳۵۰۵

دورنگار: ۳۳۵۰۴۲۲۴



# واژه‌شناسی

احمد ابو‌محبوب



تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه	ابومحبوب، احمد، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	واژه‌شناسی / احمد ابومحبوب.
مشخصات نشر	تهران: نشر میترا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۱۲ ص: جدول.
شابک	9 - 99 - 8417 - 964 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Etymology
موضوع	فارسی -- دستور
موضوع	فارسی -- واژه‌شناسی
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ و ۲ الف / PIR ۲۶۸۸
رده‌بندی دیویی	۵ فا۴
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۲۸۹۳۹



شمیریل

واژه‌شناسی

احمد ابومحبوب

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۵ - چاپ: چاپخانه تایش  
حروف چینی و صفحه‌آرایی: میترا (مروارید پورکاظمی)  
شماره: ۱۰۰۰ نسخه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر میترا: خیابان مجاهدین اسلام، شماره ۱۸۲

تلفن: ۳۳۱۳۳۵۰۵، شماره: ۳۳۵۰۴۲۲۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۱۷-۹۹-۹ - 99 - 8417 - 964 - 978 ISBN:

۷۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۵	درآمد
۷	فصل اوّل: تکواژها
۹	تکواژها
۱۱	فرآیندهای واژه‌سازی
۱۵	واژه‌شناسی
۱۹	فصل دوم: ترکیب
۲۱	واژه‌های مرکب
۲۷	تمرین
۲۹	فصل سوم: فعل‌ها
۳۱	فعل‌های مرکب
۳۵	پیشوندهای فعل‌ساز
۳۶	تمرین
۳۷	جدول فعل‌های ساده فارسی
۵۵	فصل چهارم: اشتقاق
۵۷	۱. پیشوندها
۶۹	تمرین
۷۰	۳. میانوندها
۷۴	تمرین
۷۵	۳. پسوندها
۱۱۰	تمرین



## درآمد

زبان بشر یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های آفرینش است که از همان آغاز همراه با انسان، سیر تحول و دگرگونی خود را طی کرده و زیربنای تمامی دانش‌ها و فرهنگ‌ها و ساخته‌های بشری است؛ به گونه‌ای که حتی می‌توان گفت اگر زبان نبود، انسان هم نبود. اساساً می‌توان تفاوت انسان و حیوان را در همین زبان دانست. حیوانات هم زبان دارند اما کیفیت زبان آنها با زبان انسانی ذاتاً متفاوت است. زبان حیوانات، غریزی و نامتغیر است و از پیچیدگی چندانی برخوردار نیست و تنها عواطف محدودی را می‌تواند منتقل کند، اما ویژگی اکتسابی و متغیر زبان انسان، امکانات بی‌نهایتی را پیش روی انسان می‌گشاید تا انسان بی‌نهایت نیازهای خود را به یاری آن برآورده سازد. محدودیت زبان حیوانات نمی‌تواند به هیچ‌وجه در برابر توانایی‌های زبان انسان مقاومت کند. در زبان انسانی، با ویژگی «خلاقیت» روبه‌رو هستیم؛ این همان مشخصه تولیدی زبان انسانی است. انسان می‌تواند مطالب جدید را بیان کند و حتی در بیان خود ابتکارهایی به کار ببرد و نیز به دلیل این‌که زبان انسانی دارای واژه است، می‌تواند معانی را در واژه‌ها فشرده کند و حتی با ترکیب آواها و یا تکواژها واژه‌های جدیدی بسازد که پیشتر سابقه نداشته‌اند. اصولاً زبان حیوانات تکواژ ندارد و این امر آن‌ها را در زبان بسیار محدود و بدوی نگه می‌دارد. تکواژ، که کوچکترین واحد معنایی زبان است، در ساخت واژه‌ها نقش بنیادی دارد و در واقع باید گفت که بنیاد معنایی زبان

انسانی است. پیوستن تکواژها به یکدیگر، باعث پدید آمدن واحدهای بزرگتر معنایی می‌گردد. با دقت در این امر در می‌یابیم که این، خصوصیت شگفت‌انگیزی در زبان بشری است و امکانات گسترده‌ای را در ارتباطات ایجاد می‌کند.

اکتسابی بودن زبان بشری و خصوصیت تغییرپذیری آن، مسأله جغرافیای زبان را پیش می‌کشد. هر یک از زبانهای عمده بشری در حوزه جغرافیای ویژه خود به کار می‌روند و بنابراین با زبانهای دیگر تفاوت پیدا می‌کنند. این تفاوت‌ها هم از نظر آواها و هم واژگان و هم قواعد عمده است. زبان فارسی از جمله زبانهای اشتقاقی است که واژه‌های جدید به وسیله اشتقاق در آنها ایجاد می‌شود؛ یعنی تکواژها به هم می‌پیوندند و واژه می‌سازند. این تکواژها در چنین زبانهایی قابلیت جدا شدن نیز دارند. در عین حال، در زبان فارسی، بجز اشتقاق، طریقه دیگری نیز برای ساخت واژه وجود دارد که همان ترکیب است. برای شناخت شیوه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی، لازم است که با تکواژهای زبان فارسی و طبقه‌بندی آنها آشنا شویم.



## فصل اول

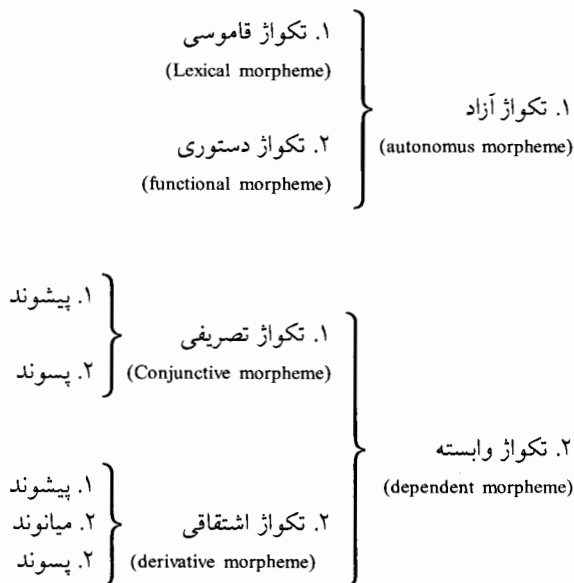


## تکواژها



## تکواژها

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، تکواژ، کوچکترین واحد معنایی زبان است. اصطلاح «معنایی» در اینجا بر این امر دلالت دارد که تکواژها الزاماً معنای مستقل و قاموسی ندارند بلکه ممکن است فقط سازنده معنا باشند؛ به همین دلیل اصطلاح «معنادار» را برای آن به کار نبردم. بدین ترتیب تکواژهای زبان فارسی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند.



تکواژ آزاد، گونه‌ای تکواژ است که می‌تواند به تنهایی و به طور مستقل

یا به شکل صورت زبانی مستقل و مجزا به کار رود. تکواژ وابسته، برعکس، به شکل صورت زبانی مجزا و مستقل به کار نمی‌رود بلکه حتماً باید به همراه تکواژهای آزاد یا به صورت ترکیب با آن‌ها به کار رود. تکواژهای آزاد به دو دسته قاموسی و دستوری تقسیم می‌شوند. تکواژ آزاد قاموسی، دارای معنای قاموسی و واژگانی مشخص است و می‌تواند به عنوان پایه اصلی در ترکیب‌ها آورده شود؛ مانند اسم‌ها، صفت‌ها، بن‌های فعل، قیدها و ضمیرها. تکواژهای آزاد دستوری، تکواژهایی هستند که صورت دستوری را نشان می‌دهند؛ مانند حرف‌های اضافه، حرف‌های ربط و برخی قیدها.

تکواژهای وابسته به دو دسته تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌شوند و تکواژهایی هستند که حتماً باید وابسته و پیوسته با تکواژهای آزاد آورده شوند. تکواژهای تصریفی، شکل صرفی را تغییر می‌دهند اما واژه جدید با معنای جدید نمی‌سازند و نیز واژه را برای نقش دستوری ویژه‌ای در جمله آماده می‌سازند. اینها عبارتند از: علامت‌های جمع، ضمیرهای پیوسته اضافی و مفعولی (م، ت، ش، مان، تان، شان)، ضمیرهای پیوسته فاعلی یا شناسه‌ها (م، ی، د، یم، ید، ند)، علامت نکره، علامت ندا و در کل، حروف شنانه، نشانه‌هایی که بر سر فعل‌ها می‌آیند مانند: می، ب امر و التزامی، ن نفی فعل.

تکواژهای اشتقاقی، واژه جدید با معنای جدید می‌سازند و در واقع، هر واژه را به واژه دیگری تبدیل می‌کنند؛ به این فرآیند اشتقاق گفته می‌شود. به این دسته از تکواژها «وند» گفته می‌شود که به سه دسته پیشوند، میانوند و پسوند تقسیم می‌شوند. البته وندهای تصریفی در فارسی، دو دسته پیشوند و پسوند هستند.

## فرآیندهای واژه سازی

بررسی و مطالعه فرآیندهای واژه سازی در زبان فارسی دشواری خاصی ندارد. البته نسبت به واژه‌هایی که از دوران باستان و یا زبان پهلوی باقی مانده و در همان دوران‌های کهن ساخته شده‌اند، با دشواری روبه‌رو می‌شویم، اما این دشواری برای افراد غیر متخصص در زبان و تاریخ زبان فارسی پیش می‌آید اما با همه اینها، واژه‌سازی در زبان فارسی دارای مراحل قاعده‌مندی است.

می‌دانیم که در درازای تاریخ زبان و نیز در مراحل ارتباط زبانها و داد و ستد آنها با یکدیگر، چهار دسته دگرگونی در واژه‌ها ممکن است صورت بگیرد که عبارتند از: دگرگونی واجی، دگرگونی صرفی، دگرگونی نحوی، و دگرگونی معنایی. این دگرگونی‌ها شکل‌هایی را پدید می‌آورند که تازه به نظر می‌رسند اما در واقع، همان واژه‌های موجود خودی یا بیگانه هستند که شکل عوض کرده‌اند. واژه‌هایی مانند «وَلگ» که با تغییرات واجی به «برگ» تبدیل شده‌اند؛ واژه‌های دیگری مانند «شاید» که در اصل فعل بوده و معنای «سزاوار است» داشته‌اند اما امروز به صورت قید تردید به کار می‌روند؛ واژه‌هایی مانند «شوخ» که به معنای چرک بدن به کار می‌رفته امروز به معنای «بذله‌گو» کاربرد دارد؛ یا عبارت «ماجرئ» که در اصل عربی، یک جمله و به معنای «آنچه واقع شد» بوده و امروز به صورت اسم و به معنای «حادثه» به کار می‌رود. نمونه‌های این‌گونه تغییرها در زبان فارسی و در اغلب زبان‌های جهان فراوان وجود دارد. این دگرگونی‌ها را

می‌توان در قلمرو واژه‌سازی نیز مورد بررسی قرار داد، اما این موارد، بیشتر با تحولات زبان‌ها و ساختار آن‌ها ارتباط دارد. از طرفی، بسیاری از شکل‌های واژگانی امروزی در دوران‌های گذشته، احتمالاً جزو اشتباهات زبانی شمرده می‌شدند ولی امروزه به عنوان زبان و کاربرد صحیح و حتی فصیح شمرده می‌شوند. چه بسا آنچه امروز واژه‌های نادرست تلقی می‌شوند، در آینده جزو واژه‌های درست دانسته شوند. به هر حال، چنین امری همواره در زبان‌ها اتفاق افتاده است.

احتمالاً اولین تلاش‌های انسان برای نامگذاری اشیا و ساختن واژه، ابداع بوده است؛ یعنی پدید آوردن واژه‌ای با ترکیب صداها و بدون هیچ سابقه‌ی واژگانی. به نظر نمی‌رسد که این شیوه، پس از طی دوران دراز تاریخ، دیگر کاربرد چندانی داشته باشد. البته امکان دارد که گاهی نام‌های تجاری بدین‌گونه پدید آیند.

**وام‌گیری:** از فرایندهای رایج در اغلب زبان‌ها است. هیچ زبان زنده‌ای در جهان وجود ندارد که از زبان‌های دیگر، واژه‌هایی به وام نگرفته باشد. در زبان فارسی نیز از دوران باستان تا کنون، این شیوه رواج داشته است. اصولاً هرچه گسترش فرهنگی و سیاسی و تجاری و علمی یک زبان بیشتر باشد، واژه‌های قرضی بیشتری در آن زبان یافته می‌شود. زبان فارسی از زبان‌هایی است که در گذشته، این گسترش را در قلمروهای وسیعی داشته و با بسیاری از زبان‌ها رابطه برقرار کرده است. این امر باعث گسترش وام‌گیری و وسعت توان زبان فارسی شده است. زبان انگلیسی نیز چنین ویژگی گسترده‌ای را دارد و داد و ستد فراوانی داشته است. البته این فرآیند را دقیقاً نمی‌توان واژه‌سازی دانست، زیرا پدیده‌ی تازه‌ای ساخته نشده، بلکه پدیده‌ای پیش ساخته، از زبان دیگر عاریت گرفته شده است.

گرفته‌برداری: این شیوه، نوعی وامگیری است اما بیشتر به واژه‌سازی در ترجمه مربوط است و بدان ترجمه قرضی نیز می‌گویند. در این روش، عناصر سازنده یک واژه از زبان دیگر، عیناً به زبان مقصد ترجمه می‌شوند؛ مانند راه‌آهن و هواپیما و... در زبان فارسی، یا *superman* انگلیسی که گرفته‌برداری از *übermensch* آلمانی است.

ترکیب: در این روش، دو تکواژ آزاد قاموسی با هم ترکیب می‌شوند و واژه جدید پدید می‌آورند. این فرآیند در زبان‌های فارسی و آلمانی و انگلیسی بسیار رایج است و در زبان‌هایی مثل فرانسوی و اسپانیولی رواج بسیار کمتری دارند. ممکن است در این روند، بیش از دو تکواژ نیز به کار رود. نمونه‌ای مانند «کتابخانه»، بیانگر شیوه ترکیب است.

آمیزش: در این فرآیند، قسمتی از یک واژه با قسمتی از واژه دیگر یا کل آن واژه ترکیب می‌شود و شکلی تلفیقی به وجود می‌آورد؛ این شکل در فارسی رایج نیست و تنها در برخی اصطلاحات تخصصی و علمی که فرهنگستان ساخته، به کار می‌رود؛ مانند «پیراپزشکی» که قسمت اول کلمه «پیرامون» را با پزشکی تلفیق کرده است. این شیوه گاهی در زبان عوام و احتمالاً به صورت شوخی یا طنز به کار می‌رود. یا کلمه «رادار» که قسمت اول آن همان «راه» است. یا در زبان انگلیسی، واژه *motel* که از ترکیب قسمت اول *motor* با قسمت آخر *hotel* ساخته شده است. یا «پاتک» در زبان فارسی که از لفظ «پاد (ضد)» به علاوه «تک (حمله)» ساخته شده است.

اختصار: نوعی کاهش واجی است که در آن، یک واژه چند هجایی بسیار مختصر می‌شود و کاهش می‌یابد و نیمی از آن واژه بیان می‌شود؛ مانند دکتری (دکتر)، فری (فریدون)، اتول (اتومبیل) و...؛ این شیوه در فارسی، در مکالمات عامیانه و غیررسمی به کار می‌رود.

**نشانه اختصاصی:** عبارت است از واژه‌ای که از طریق پیوند اولین واج‌های چند واژه ساخته می‌شود و به عنوان نشانه اختصاری و اختصاصی به کار می‌رود؛ مانند ناتو، اوپک، ناجا، اِنکا، ناسا، نِزاجا و... این گونه واژه‌ها بیشتر مربوط به شرکت‌ها یا مسایل سیاسی و اقتصادی و نظامی و تجاری هستند.

**اشتقاق:** این فرآیند از طریق پیوند تکواژهای اشتقاقی با تکواژهای آزاد قاموسی عمل می‌کند. این دسته از تکواژهای وابسته می‌توانند پیش یا پس از تکواژ پایه بیایند یا در میان دو تکواژ دیگر آورده شوند. اشتقاق در زبان فارسی بسیار کاربرد دارد و فعال است.

ما در این نوشتار به دو فرآیند ترکیب و اشتقاق می‌پردازیم که در زبان عموم مردم و کل فارسی‌زبانان، رایج‌ترین فرآیند واژه‌سازی است. البته فرآیندهای دیگری مانند تبدیل (conversion) و پس‌سازی (back formation) وجود دارد که به هیچ‌وجه در زبان فارسی کاربرد ندارد و نیازی به بررسی آنها نیست. شکل‌های دیگر غیر از ترکیب و اشتقاق نیز به دلیل تخصصی بودن و غیر عمومی بودن، در این نوشتار مورد بحث نیستند، هرچند که گرت‌برداری، رواج بیشتری دارد اما به هر حال این فرآیند نیز خاص زبان عمومی نیست بلکه سازندگان این دسته از واژه‌ها، بدون تردید، تنها مترجمان و تحصیل‌کردگان هستند؛ علاوه بر این که این شیوه، پیچیدگی و دشواری ندارد، و فقط مربوط به ترجمه واژه‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد که ترجمه، با ساخت نو تفاوت داشته باشد؛ ترجمه، انتقال است اما ساختن، پدید آوردن چیزی تازه از خود زبان و در خود زبان است.



## واژه‌شناسی

آنچه تاکنون گفته شد، مربوط به عناصری است که واژه‌ها را می‌سازند. این عناصر، همان ریز واحدهای معنایی هستند که مرز واژه‌ها را تعیین می‌کنند؛ ما بدین وسیله عناصر موجود در پیام را بررسی می‌کنیم که عبارت است از مطالعهٔ فرم‌ها و تجزیه و تحلیل عناصر بنیادی کلام. این عناصر بنیادی، پایه‌های اصلی و اولیهٔ ساخت زبان‌ها را تشکیل می‌دهند و با معنا مرتبط هستند - ربطی به ساخت آوایی زبان ندارند. همین عناصر هستند که کلمه (واژه) می‌سازند. «در آغاز کلمه بود» که با گسترش، تبدیل به جمله، یا بزرگترین واحد زبانی شد. آنچه اینجا مورد بررسی قرار می‌دهیم، همان ریز واحدها و پیوند آنها با یکدیگر است که «کلمه» را می‌سازند. در این مرحله با ساخت آوایی و ساخت جمله و بند و گروه، که واحدهای بزرگتر هستند، کاری نداریم. بند و گروه، واحدهای گسترده‌تر و بزرگتری هستند که در ساخت جمله، که بزرگترین واحد زبانی است، به کار می‌روند، اما واژه، یک واحد تک معنایی است که از واحدهای ریزتری به نام تکواژ ساخته می‌شود. تفاوت تکواژ با واژه در این است که تکواژ را واحد معنایی تعریف کردیم؛ به این مفهوم که الزاماً دارای معنا نیستند بلکه گاه معنا دارند و گاه فقط در ساخت معنا در واحد بزرگتر - واژه - شرکت و نقش دارند. اما واژه، اولین و کوچکترین واحد معنادار است؛ یعنی برعکس تکواژ، الزاماً دارای معنا است؛ بنابراین تکواژ می‌تواند خودش یک واژهٔ مستقل و آزاد هم باشد و می‌تواند نباشد اما

واژه الزاماً از یک تکواژ آزاد قاموسی و یا از تکواژهایی بیش از آن ساخته می‌شود. گونه‌های این تکواژها را در زبان فارسی، پیشتر از این نشان دادیم و اینجا به بررسی شیوه پیوند آنها با یکدیگر برای ساخت واژه می‌پردازیم و معنایی را که از آنها برمی‌آیند بیان می‌داریم. می‌دانیم که واژه‌ها اصولاً دو دسته هستند؛ یا ساده‌اند و یا غیر ساده. واژه‌های غیر ساده، از پیوند تکواژهای دیگر به وجود می‌آیند. پس به طور کلی می‌توان گونه‌های واژه‌های فارسی را چنین نشان داد:

- |              |   |               |
|--------------|---|---------------|
| ۱. ساده      | } | گونه‌های واژه |
| ۲. مرکب      |   |               |
| ۳. مشتق      |   |               |
| ۴. مشتق مرکب |   |               |

همان‌گونه که بیان شد، واژه ساده، عبارت از یک تکواژ آزاد قاموسی است که معنای مستقلی دارد؛ مانند: کاغذ، شب، کتاب، میز و... واژه مرکب، واژه‌ای است که از ترکیب حداقل دو تکواژ آزاد قاموسی ساخته می‌شود که معنای واژگانی مستقل دارند؛ مانند: کتابخانه، جامه‌دار و...

واژه مشتق، واژه‌ای است که از یک تکواژ قاموسی در پیوند با تکواژهای وابسته اشتقاقی پدید می‌آیند و واژه تازه‌ای می‌سازند؛ مانند: دانش، گلزار، راننده و...

واژه مشتق مرکب، چنان‌که از نامش پیداست، هر دو خصوصیت مرکب و مشتق را با هم دارد؛ مانند: دانش‌پژوه (دان + پش + پژوه). در این ساخت، دو تکواژ «دان» و «پژوه» تکواژ قاموسی هستند اما «ش» تکواژ وابسته اشتقاقی است. این ساخت را در اشتقاق نیز می‌توان مورد بحث قرار داد، زیرا بدون وند اشتقاقی، آن دو تکواژ، تنها در ترکیب با یکدیگر نمی‌توانند بر معنا دلالت داشته باشند؛ اینجا در واقع، یک واژه مشتق با

یک تکواژ قاموسی دیگر ترکیب شده و واژه دیگری پدید آورده است. لازم به یادآوری است که هر واژه مشتقی را می‌توان با تکواژ قاموسی مناسب دیگر ترکیب کرد و واژه نوی به دست آورد. قاعده اصلی این ساخت، تنها همین مورد است و در عمل محدودیت ندارد؛ بنابراین، ما تنها به دو شکل ترکیب و اشتقاق در ساخت واژه می‌پردازیم.